

# تطهیر معنوی با آب در شاهنامه

به دوست بزرگوار و استاد سخن سنج دکتر غلامحسین یوسفی

۸۱

در شاهنامه آب تنها برای پاک ساختن اجسام از آلودگی‌های مادی و صوری به کار نمی‌رود، بلکه همچنین هر چیز را که از نظر معنوی آلوده باشد می‌توان به وسیله عنصر پاک کننده آب غسل داد و مطهر ساخت. ذیلاً چند مثال آن ذکر می‌گردد:

۱- فریدون پس از آنکه کاخ ضحاک را تصرف می‌کند به پیشکار ضحاک دستور می‌دهد که تخت شاهی را که در اثر نشستن ضحاک بددین بر آن، ناپاک و نجس شده است بشویند:

بفرمود شاه دلاور بدوی      که رو آلت تخت شاهی بشوی  
داستان ضحاک (تصحیح نگارنده)، بیت ۳۷۷

در اینجا لازم به تذکر است که پنج دستنویس از دستنویس‌های اساس تصحیح نگارنده، از جمله دستنویس لندن مورخ ۶۷۵ ضبط بجوی، و یکی دیگر ضبط مجوی دارند، ولی ضبط بشوی در دستنویس فلورانس مورخ ۶۱۴ و شش دستنویس دیگر آمده است.

۲- شستن تخت شاهی به قصد تطهیر معنوی آن یک بار دیگر هم در شاهنامه آمده است،

در داستان جنگ بزرگ کیخسرو آمده است که چون کیخسرو انتقام خون پدر را از نیای خود افراسیاب کشید، به زودی دل از جهان برکند و در بارگاه را بر بارخواهان بست و روزها و هفته ها به درگاه خداوند نیایش کرد که او را پیش خود فراخواند، تا اینکه سرانجام شبی سروش را به خواب دید که به او مژده داد که خواهش او پذیرفته شد و روز او پس از گزیدن جانشین برای خود و رتق و فتق امور کشور به سر خواهد رسید. کیخسرو چون از خواب بیدار شد بر تخت نشست و بزرگان کشور را پیش خود خواند:

بیامد سر تخت شاهی بشُست      یکی جامه نابسوده بجُست  
پوشید و بنشست بر تختِ عاج      جهاندار بی یاره و طوق و تاج  
داستان جنگ بزرگ کیخسرو (تصحیح نگارنده)، بیت ۲۶۰۵

همانطور که قبلاً عرض شد، در اینجا نیز برخی از کاتبان در متن دست برده اند و آن را به صورت زیر تغییر داده اند:

بیامد بر تخت شاهی نشست      یکی جامه نابسوده به دست  
پوشید و بنشست بر تختِ عاج      جهاندار بی یاره و گرز و تاج  
چاپ مسکو ۲۵۸۶/۳۸۹/۵

ولی چنان که می بینیم دو مصراع اول تکرار یکدیگرند، یعنی در دو بیت متوالی دوبار گفته شده است که کیخسرو بر تخت نشست. علت دستبرد در این بیت چنین بوده که چون بیشتر کاتبان مفهوم سُستن تخت را در ذهن نداشته اند، آن را به جای نشستن بر تخت که بیش از صد بار در شاهنامه آمده است گرفته اند و بُشت را نشست خوانده اند و سپس برای اصلاح قافیه در مصراع دوم بجُست را به بدست و به بخست تغییر داده اند و یا آن را به همان صورت خود گذاشته اند و در نتیجه قافیه معیوب گشته است. از میان دستنویس هایی که ضبط درست بُشت را نگهداشته اند، دستنویس استانبول مورخ ۷۳۱ و دستنویس برلن مورخ ۸۹۴ حتی آن را به ضم دوم نوشته اند و دستنویس برلن بجست را هم به ضم دوم نوشته است.

بنابراین همانگونه که فریدون دستور می دهد تخت شاهی را که به علت تماس با بدن ضحاک بددین نجس شده بود بشویند، کیخسرو نیز پس از آنکه دست از تعلقات دنیوی می کشد، نه تنها تاج بر سر نمی گذارد و یاره و طوق نمی بندد، بلکه حتی جامه ای را که قبلاً در مقام پادشاه بر تن کرده بود نمی پوشد، و جامه ای پوشیده نشده بر تن می کند و نیز دستور می دهد تختی را که قبلاً او و پادشاهان پیش از او بر آن نشسته بودند بشویند و آن را از

آلودگی به حشمت دنیوی پاک سازند. بنابراین در اینجا نیز از آب برای تطهیر معنوی استفاده شده است.

۳- همچنین اگر شخصی در اثر تماس با فردی بددین ناپاک شده باشد، می‌توان او را با آب تطهیر کرد. یک مثال آن زنان ضحاک‌اند که فریدون دستور می‌دهد که خود را شستو کنند:

بفرمود شستن سرانشان نخست روانشان پس از تیرگی‌ها بشست  
داستان ضحاک (تصحیح نگارنده)، بیت ۳۲۹

۴- یک مثال دیگر آن در پادشاهی بهرام گور آمده است. بهرام پس از آنکه سپنود دختر شنگل شاه هند را که به دینی دیگر است، به زنی می‌گیرد و با خود به ایران می‌آورد، دستور می‌دهد تا طی اجرای مراسم مذهبی در آتشکده و گزیدن دین جدید، خود را با آب نیز بشوید:

پرستنده آتش زردهشت همی رفت با باژ و برسم به مش  
سپنود را پیش او برد شاه بیاموختش دین و آیین و راه  
بشستش به دین به و آب پاک ازو دور شد گرد و زنگار و خاک

چاپ مسکو ۲۳۸۱/۴۴۱/۷

۵- درباره چشمه حیوان آمده است که هر کس خود را در آن بشوید گناهان او بریزد:  
ز فردوس بردارد آن چشمه راه بشویی برو تن بریزد گناه  
داستان اسکندر (مول، بیت ۱۳۶۸؛ چاپ مسکو، بیت ۱۳۴۰)

افسانه چشمه حیوان در اصل از افسانه‌های ایرانی است که همراه با برخی روایات دیگر ایرانی به رمان اسکندر راه یافته است و این چشمه حیوان چیزی جز همان چشمه‌ای نیست که کیخسرو پیش از آنکه در زمره جاودانان درآید در آن غسل کرد و سپس از چشم همراهان ناپدید گشت.

۶- آشکارترین مثال تطهیر معنوی با آب در شاهنامه، شستشو پیش از نیایش و پرستش است که موارد آن در شاهنامه بسیار است، از جمله:

ز بهر پرستش سر و تن بشست...

چاپ مسکو ۲۴۵۴/۳۸۱/۵